

Evaluating the occurrence of crime in defenseless urban spaces in the framework of radical criminology theory

Mohaddeseh Ghavami Pour, Amirreza Mahmoudi, Kaveh Nourasteh

Date Received : 21 April 2024 Date accepted : 10 August 2024

Abstract

A relationship can almost always be established between space and mass. Because spaces are multifaceted and complex elements that have economic, cultural and social dimensions in addition to physical dimensions. Social, cultural and economic analysis and location-specific characteristics reveal different types of crimes among people who congregate in different places. In this regard, it can be said that urban areas are considered as places where economic activities are different. There is a high level of division of labor and people living together, they also have their own unique crimes with their own unique structures, functions and organizations. Today, developments in the economic, cultural, technological and political fields have brought a series of changes that have also affected the physical areas of cities. This change can be related to the emergence of “undefended spaces” that can be connected on a mental level by separating from the historical, geographical, cultural and social ties of urban areas. This study focuses on understanding the effects of defenselessness on the emergence of urban crime and the formation of crime within the framework of radical criminology theory. The theory of “radical criminology” largely analyzes the formation of crime by considering the cultural, economic, political, demographic and social characteristics of the whole society. However, this theory has deepened this macro-framework, which is mainly used to analyze crime, with factors such as family breakdown, urban structure, density, learning and socialization. Here, the phenomenon of urban crime will be discussed from the perspective of radical criminology and the effects of defenseless space on the formation of urban crime will be analyzed

Keywords: city, space, defenseless space, crime, radical criminology.



ارزیابی وقوع جرم و جنایت در فضاهای بی دفاع شهری در چارچوب نظریه جرم‌شناسی رادیکال

محدثه قوامی پور سرشکه، امیررضا محمودی، کاوه نورسته

تاریخ پذیرش: ۲۰ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

چکیده

تقریباً همیشه می‌توان رابطه‌ای بین فضا و جرم برقرار کرد. زیرا فضاها عناصر چندوجهی و پیچیده هستند که ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در کنار ابعاد فیزیکی دارند. تجزیه و تحلیل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و ویژگی‌های خاص مکان، بین افرادی که در مکان‌های مختلف گرد هم می‌آیند، انواع جرائم متفاوتی را آشکار می‌کند. در این راستا می‌توان گفت مناطق شهری که به‌عنوان مکان‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که فعالیت‌های اقتصادی در آن متفاوت است. تقسیم‌کار در سطح بالا وجود دارد و افراد با یکدیگر زندگی می‌کنند، همچنین جرائم منحصربه‌فرد خود را با ساختارها، عملکردها و تشکیلات منحصربه‌فرد خود دارند. امروزه تحولات در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، فناوری و سیاسی، یک سری از تغییرات را به همراه آورده‌اند که مناطق فیزیکی شهرها را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند. می‌توان این تغییر را با ظهور «فضاهای بی‌دفاع» که از طریق جدا شدن از پیوندهای تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی مناطق شهری در سطح ذهنی قابل ارتباط است، مرتبط دانست این مطالعه بر درک تأثیرات بی‌دفاعی بر ظهور جرم شهری و شکل‌گیری جرم در چارچوب نظریه جرم‌شناسی رادیکال تمرکز دارد. نظریه «جرم‌شناسی رادیکال» تا حد زیادی تشکیل جرم را با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، جمعیتی و اجتماعی کل جامعه تحلیل می‌کند. با این حال، این نظریه این چارچوب کلان که عمدتاً برای تحلیل جرم استفاده می‌شود را با عواملی مانند فروپاشی خانواده، ساختار شهری، تراکم، یادگیری و اجتماعی شدن عمیق‌تر کرده است. در اینجا، پدیده جرم شهری از دیدگاه جرم‌شناسی رادیکال مورد بحث قرار خواهد گرفت و تأثیرات فضای بی‌دفاع بر شکل‌گیری جرم شهری تحلیل خواهد شد.

کلمات کلیدی: شهر، فضا، فضاهای بی‌دفاع، جرم، جرم‌شناسی رادیکال.

محدثه قوامی پور سرشکه، دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول)

mohadesehghavamipour@gmail.com

mohadesehghavamipour@liau.ac.ir

امیررضا محمودی، استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

amirreza.mahmodi@gmail.com

کاوه نورسته، دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

kaveh.norasteh65@gmail.com

جرم، پدیده‌ای به قدمت تاریخ بشر است که نقض هنجارها، قواعد و قوانین حاکم بر زندگی اجتماعی است که مجازات کیفری را به دنبال دارد. جرم، یک مسئله است که باید برای نظم و استمرار جامعه حل شود. معنای «جرم» در بحث‌های مربوط به ساختار اجتماعی می‌تواند بر اساس زمان، مکان و فرهنگ متفاوت باشد. باین‌حال، فرایند شهرنشینی شدید که با صنعتی شدن آغاز شد، رویکردهایی را که جرم را بیشتر در فضاهای شهری بررسی می‌کنند، تسهیل کرده است^۱

در ادبیات جرم‌شناسی، رویکردهای مربوط به جرم، از چشم‌اندازهای خود، جرائم را با در نظر گرفتن ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی متفاوت جوامع توضیح می‌دهند. توضیحات ارائه‌شده برای تبیین جرم را می‌توان با توجه به توضیحات، ساختارها و مسائل مورد تمرکز آن‌ها در دو گروه مختلف قرارداد. نظریه‌های اجماع بر این اعتقادند که ساختارهای تشکیل‌دهنده جامعه با یکدیگر هماهنگ و دارای استمرار هستند، درحالی‌که نظریه‌های تعارض فرض می‌کنند که بین نهادها، طبقات یا ساختارهای تشکیل‌دهنده جامعه تعارض وجود دارد. ^۲جرم‌شناسی رادیکال را می‌توان در چارچوب رویکردهای تعارضی قرارداد. نظریه‌پردازان جرم‌شناسی رادیکال استدلال می‌کنند که ریشه جرم در ویژگی‌های ساختاری جامعه است. این نظریه بر این تمرکز دارد که ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، طبقاتی، اقتصادی و جمعیتی جامعه همراه با روابط تعارضی سیستم سرمایه‌داری به‌طور یکپارچه در شکل‌گیری جرم نقش دارند.

امروزه، شهرهایی که در مرکز عملکرد سیستم سرمایه‌داری قرار دارند، همچنین مکان‌های بروز انواع مختلف جرائم هستند. نظریه‌پردازان جرم‌شناسی رادیکال که جرم را به‌عنوان یک عملکرد سیستم سرمایه‌داری می‌پذیرند، عمدتاً بر پنج بعد طبقه‌بندی اجتماعی، اقتصاد سیاسی، فروپاشی خانواده، شرایط اقتصادی و ارزش‌افزوده در شکل‌گیری جرم تمرکز می‌کنند. ^۳این پنج بعد که مبنای دید جرم‌شناسی رادیکال به جرم است، با روابط، جریان‌ها، گروه‌بندی‌ها، تنش‌ها، تصاویر، احساسات تعلق و هویت‌ها و معانی که در فضاهای شهری ساخته می‌شوند، مرتبط هستند. باین‌حال، باید گفت که هرگاه ماهیت، لحن، شکل و فرکانس روابط در فضاهای شهری تغییر می‌کند، پارامترهای مربوط به جرم و جرم‌خیزی نیز ممکن است تغییر کنند.

امروزه، در کنار توسعه فناوری‌های جدید، تغییرات در روابط تولید و توزیع، درک جدید از سلطه جهانی و جهت‌گیری حرکات سرمایه توسط ابزارهای مالی جدید ارزیابی می‌شود. این فرآیندهای

۱- Wirth, L. (2002). *Bir Yaşam Biçimi Olarak Kentleşme*. B. Duru ve A. Alkan (Çev). B. Duru ve A. Alkan (Ed.). 20. *Yüzyıl Kenti*, içinde (77-106). Ankara: İmge Kitapevi

۲- Kızmaz, Z. (2006). *Suçun Siyasi Doğası Üzerine Odaklaşan Kuramlar ve Bu Kuramların Eleştirisi*. Abant İzzet Baysal Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi, 1(12), 97-114.

۳- Williams III, F. P. & Mc Shane, M. D. (1999). *Criminological Theory*. USA: Prentice Hall.

تحول جامع، تغییرات مهمی را در عملکرد سیستم سرمایه‌داری، درک مکان و نگاه به جامعه ایجاد کرده است. یکی از بحث‌های مطرح در این فرآیند تحول، مفهوم «فضاهای بی‌دفاع» است که بر ادعای از دست دادن عمق هستی‌شناختی مکان در فرآیند تحول جهانی شکل گرفته‌اند^۱

در این مطالعه، تأثیرات تغییر ارزش‌ها و تحولات ناشی از جهانی‌شدن بر درک موجود از مکان بر روند جرم‌خیزی در مناطق شهری از دیدگاه نظریه جرم‌شناسی رادیکال بررسی شده است. تغییر در درک مکان به‌عنوان یک پدیده اجتماعی-سیاسی و اجتماعی-اقتصادی تحلیل شده و بر اساس استدلال‌های نظریه جرم‌شناسی رادیکال در مورد شکل‌گیری جرم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در این مطالعه، مفاهیم جرم، مکان، جرم شهری، نظریه جرم‌شناسی رادیکال و مفهوم فضاهای بی‌دفاع شهری تعریف شده و ویژگی‌های جرم شهری و جرم شهری توضیح داده شده است. از میان رویکردهای مرتبط با جرم در ادبیات علوم اجتماعی، نظریه جرم‌شناسی رادیکال تشریح شده و دیدگاه این نظریه در مورد جرم در یک چارچوب کلی تعریف شده است. توضیحات مربوط به مفهوم «فضای بی‌دفاع» نیز در چارچوب درک جدید ناشی از فرآیند جهانی‌شدن ساخت بندی شده است. این مطالعه همچنین به این موضوع می‌پردازد که چگونه درک «فضاهای بی‌دفاع شهری» بر انگیزه‌های مربوط به شکل‌گیری جرم شهری در کنار داده‌های نظریه جرم‌شناسی رادیکال تأثیر می‌گذارد.

در این مطالعه، به تحقیقات مرتبط با موضوع و دیدگاه‌های نویسندگان مربوطه اشاره شده است. همچنین، با استفاده از روش تحلیل اسناد، داده‌های اصلی شکل‌دهنده بحث استخراج و تفسیر شده است. بر اساس یافته‌ها، درک «فضای بی‌دفاع شهری» که در فرآیند جهانی‌شدن ظهور کرده است، مشکلاتی مانند بی‌هویتی، بی‌ریشگی، موقتی بودن بی‌معنایی را در بخش قابل توجهی از جوامع شهری مدرن تشدید کرده و به تقویت رفتارها و انگیزه‌های مرتبط با جستجوی ثروت، وضعیت و قدرت و در نتیجه جرم شهری منجر می‌شود.

۱. پدیده جرم

جرم را می‌توان به‌عنوان تضاد میان رفتار و نگرش افراد یا گروه‌ها با ارزش‌ها، قواعد و هنجارهای حاکم بر نظم اجتماعی تعریف کرد از طرف دیگر، برخی جرم را «اقداماتی که وجود و دوام جامعه را به خطر می‌اندازند یا غیرممکن می‌کنند» تعریف می‌کنند^۲ همچنین در برخی منابع جرم «رفتاری که قوانین جامعه آن را مضر و خطرناک دانسته و با مجازات کیفری ممنوع کرده است» تعریف شده است که به بُعد قانونی جرم اشاره می‌کنند. این تمام توضیحات درباره جرم، نشان می‌دهند که جرم یک پدیده جهانی است که در درون ساختار پویای زندگی اجتماعی ظهور می‌کند. با این حال، پذیرش

۱- Ibelling, H. (1992). Supermodernism: Architective in Age of Globalization. Rotterdam: NAIPublisher.

۲- Marshall, G. (۱۹۹۹). Sosyoloji Sözlüğü. Osman Akınhay ve Dilek Kömürçü (Çev.). Ankara: Bilim veSanat Yayınları.

جرم به‌عنوان بخشی از زندگی اجتماعی به این معنا نیست که رفتارهای جرم‌تلقی شده در همه جوامع یا فرهنگ‌ها به‌صورت مشابه دسته‌بندی شده‌اند. این رویکرد از این جهت مهم است که ماهیت متغیر درک جرم را نشان می‌دهد^۱

ظهور جرم به‌عنوان بخشی از زندگی اجتماعی، ماهیت پیچیده و چندبُعدی آن را نشان می‌دهد. به همین دلیل، این مفهوم می‌تواند موضوع بررسی علوم اجتماعی مختلفی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق و انسان‌شناسی باشد. جرم، ترکیبی از وضعیت اجتماعی، درآمد، محیط، فرهنگ، محدوده زندگی و همچنین وضعیت روانی فرد است. برای اینکه رفتاری به‌عنوان جرم در ساختار اجتماعی تلقی شود، وجود چهار بُعد قانون، مهاجم، قربانی و مکان و زمان رفتار ضروری است.^۲

امروزه، تحولات ناشی از جهانی‌شدن در جوامع شهری مدرن پیچیده، فشارها و کنترل‌های متمرکز بر نیروی کار، احساس بیگانگی، اشکال جدید انباشت سرمایه و مصرف با رویکرد نئولیبرال همراه با اقدامات اقتصادی و سیاسی جدید، باعث تغییراتی در ویژگی‌ها و نحوه ارتکاب جرائم در نواحی شهری شده است. از این‌رو، درک پدیده جرم شهری، در کنار سایر متغیرها، رویکردهای نظری متمرکز بر «تعارض» و «تغییر» که به ارتباط میان جرم شهری و وضعیت «فضای بی‌دفاع شهری» ناشی از فرآیند جهانی‌شدن می‌پردازند، رویکرد مناسب‌تری خواهند بود. به‌ویژه در جوامع شهری پسا صنعتی، افزایش نرخ جرم در کنار تغییرات سریع و گسترده، امکان برقراری ارتباط میان این تغییرات سریع و جرم را فراهم آورده است. در این راستا، می‌توان گفت که درک جدید مکان ناشی از تحولات جهانی در نواحی شهری، باعث تضعیف احساس هویت، از بین رفتن تصور واقعیت، فروپاشی نظم مستقر، بیگانگی و بحران هنجاری شده و زمینه را برای ظهور رفتارهای مجرمانه جدید فراهم آورده است.

توسعه و علل جرم باید در ارتباط میان فرد و ساختار اجتماعی جستجو شود. به‌طوری‌که رفتارهای مرتبط با جرم در قالب نظام تعامل اجتماعی، به‌ویژه از طریق روابط اولیه آموخته می‌شوند و می‌توانند به‌صورت ساده یا پیچیده نمایان شوند و نگرش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای فرد در ارتکاب جرم تأثیرگذار هستند.^۳

میان جرم و جرم‌خیزی با ساختار اجتماعی فرد ارتباط قوی وجود دارد. شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فیزیکی ساختار اجتماعی فرد می‌تواند به‌عنوان عوامل انگیزشی در بروز جرم باشد. میزان رضایت فرد از برآورده شدن نیازهایش در جامعه نیز از عوامل مؤثر در بروز جرم و جرم‌خیزی است. علاوه بر این، قوانین، مقررات و مجازات به همان اندازه که در تعریف جرم مهم

۱- جعفری، فریدون. (۱۴۰۰). چالش تعریف جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. پژوهش‌های حقوقی، ۲۰(۴۵)، ۷-۲۲

۲- دیبازاد، محسن، محسنی، فرید، قاسمی، ناصر. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی تعریف قانونی جرم. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۸)

۳- Akers, R. L. & Jennings, W. G. (۲۰۰۹). Social Learning Theory. J. M. Miller (Ed.), ۲۱. Century Criminology: A Reference Hand Book, in (۲۲۲-۲۲۳). Thousand Oaks: CA. Sage. Aksoy, E. (۲۰۰۷). Suç ve Kent Güvenliği Yaklaşımı. TMMOB Ankara Şubesi Bülteni, ۱۱-۱۶, ۵۵.

هستند، نگرش جامعه به رفتارها و دیدگاه‌های تعریف‌شده به‌عنوان جرم و مجرمانه نیز اهمیت دارد^۱ در این راستا، هرگونه انحراف از اصول و رفتارهایی که جامعه به‌درستی می‌پذیرد، لزوماً به‌عنوان جرم در نظر گرفته نمی‌شود. اما این امر اغلب باشخصیت افراد مرتبط است و می‌تواند بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی جامعه تأثیر منفی بگذارد و زمینه ظهور رفتارهای پذیرفته‌شده به‌عنوان جرم از نظر قانونی را فراهم آورد.^۲

۲. جرائم شهری و ویژگی‌های آن

ویژگی‌های جرم شهری شهرها ساختارهای پیچیده‌ای هستند که دربرگیرنده جمعیت گسترده، تنوع جمعیتی، سبک‌های زندگی متنوع، کاربردهای صنعتی مدرن، تخصص و تقسیم‌کار پیشرفته، مصرف انبوه، فعالیت‌های تجاری و مالی متنوع هستند. تنوع، تراکم و ساختار پویای شهرها که حاوی روابط پیچیده اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است، زمینه بروز مسائل مختلفی را فراهم می‌کند. هم‌زمان، عواملی مانند شهرنشینی سریع، مهاجرت، فقر، بیکاری، مشکلات مسکن و سلامت، و بیگانگی نیز به‌عنوان عناصر تشدیدکننده این مسائل در نواحی شهری باید در نظر گرفته شوند. می‌توان گفت که ترکیبات مختلف این مشکلات، همواره منشأ پدیده جرم شهری هستند. در این راستا، جرم شهری را می‌توان به‌عنوان رفتارها، اقدامات و نگرش‌های انحرافی و غیرقانونی که نظم، جریان و رفاه زندگی شهری را هدف قرار می‌دهند، درک کرد.^۳

تحقیقات مرتبط با جرم و جرم‌خیزی نشان می‌دهند که نرخ جرم در مناطق شهری بالاتر است. یکی از مطالعات پیشرو در زمینه جرم شهری، نظریه جامعه‌شناختی جرم دورکیم^۴ است که در آن جرم در چارچوب روابط آنومیک جامعه شهری بررسی شده است. به همین ترتیب، ادعا شده که نرخ جرم در مناطق شهری در مقایسه با مناطق روستایی بیشتر است.^۵

با ارزیابی کلی جرم شهری و عوامل مؤثر بر آن، می‌توان برخی مقوله‌های اساسی در این زمینه را شناسایی کرد. در این راستا، عوامل مؤثر بر بروز جرم شهری را می‌توان در چهار دسته اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، جمعیتی و مکانی دسته‌بندی کرد.

۲-۱. عوامل اجتماعی- فرهنگی

۱- جوانمردی. مرتضی (۱۳۸۴). نسل زدایی: ساختار عناصر جرم. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۲- Uslu, E. (2011). Sosyo ekonomik bir olgu olarak kentsel suç; Bakırköy ve Küçükçekmece örnekleri. Yayınlanmamış yüksek lisans tezi, İstanbul Üniversitesi, İstanbul.

۳- موسوی، بهاره سادات، تومانیان، آرا، ارگانی، میثم، ارون‌دی، سمانه، ساعدپناه، مهران. (۱۴۰۲). شناسایی مناطق جرم خیز و عوامل مؤثر در تشدید آن با استفاده از روش‌های داده کاوی مکانی (مطالعه موردی شهر اصفهان). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۱(۱۱۱)، ۵۱-۶۹.

۴- Durkheim
۵- Aktay, A. (۲۰۱۸). Mekân Üretim Endüstrisinin Güvenliği Pazarlayan Rant Stratejileri. Akademik İncelemeler Dergisi, ۱۳۶-۱۲۵, (۱)۱۳.

شهرها صرفاً مکان‌های سکونت جمعی نیستند، بلکه عرصه‌های برقراری و توسعه روابط اجتماعی و تعامل فرهنگ‌های مختلف با معماری سیاسی و فرهنگی خاص خود هستند. این محیط‌های زندگی همچنین شامل روابط تولید و توزیع، ابزارآلات و زیرساخت‌های فناوری، ارتباطات و حمل‌ونقل برای تأمین نیازها نیز هستند.^۱ زمانی که شهر را به‌عنوان یک کل متشکل از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فناوریانه، مکانی و سیاسی در نظر می‌گیریم، باید پذیرفت که جرم نیز به‌عنوان پدیده‌ای شکل‌گرفته در درون این ساختار شهری، تحت تأثیر عواملی مانند شهرنشینی سریع و ناسالم، رشد جمعیت و مهاجرت، فقر، بیکاری، فرهنگ، مصرف مواد مخدر و درجه اقدامات پلیسی قرار دارد.

جمعیت‌شناسی یک جزء مهم در شکل‌گیری ساختار اجتماعی-فرهنگی شهرهاست. متغیرهایی مانند باروری و مهاجرت که با سرعت رشد جمعیت شهری ارتباط مستقیم دارند، به مشکلاتی مانند انطباق، مسکن، بیکاری، مسائل بهداشتی و آموزش منجر شده و زمینه ارتکاب اعمال مرتبط با جرم را فراهم می‌آورند. وقتی شدت جریان جمعیتی به سمت شهرها از حدی که شهر قادر به تحمل آن باشد فراتر رود، پدیده شهرنشینی سریع و نامنظم ظهور می‌کند. همراه با شهرنشینی سریع، ناتوانی شهر در تأمین نیازهای فیزیکی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جمعیت افزایش‌یافته، بخشی از ساکنان شهر را از لحاظ مادی و معنوی تحت تأثیر قرار می‌دهد. این امر باعث ایجاد نابرابری میان افراد ساکن در شهر شده و در نتیجه نرخ جرم شهری را افزایش می‌دهد.^۲ در همین راستا، توان تولید جرم در مناطق شهری با موقعیت اجتماعی نامطلوب را نشان داده و به تراکم بالای جرم در این مناطق اشاره کرده است.

تعامل افراد و گروه‌های دارای ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت در شهرها نیز حاوی پتانسیل تعارض است. در این راستا، می‌توان جرم را با فرهنگ مرتبط دانست. با تأکید بر توسعه مبانی فرهنگی که مشروعیت بخشی به جرم می‌کنند، جرم را یک ساختار فرهنگی تلقی می‌کنند^۳ و نیز افزایش شکاف‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی میان ساکنان شهری را به‌عنوان عاملی ایجاد محیط نامنم که منجر به افزایش جرم می‌شود، مطرح کرده‌اند.

شهرها علاوه بر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی، همچنین دستگاه‌های سیاسی محلی هستند. در این راستا، همانند تمامی دستگاه‌های سیاسی، سیاست‌های شهری نیز فرصت‌هایی را برای افراد و گروه‌های ساکن در شهر فراهم می‌کند تا منافع خود را به حداکثر برسانند. بنابراین، زمانی که سیاست‌های شهری به دلایل مختلف در برآوردن نیازهای افراد و گروه‌ها ناکارآمد باشد، مسائل مختلفی ظهور خواهد کرد. در این زمینه، مطالعات نشان داده‌اند که تغییرات سیاسی و عدم احساس

۱- رحیمی نژاد، اسمعیل. (۱۳۹۹). جرم‌شناسی فرهنگی سبز: از علت‌شناسی تا پیشگیری. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۱(۱)، ۷۵-۱۰۲

۳- Berber, Ö. (۲۰۱۱). Yok-Yer, Yersizleşme ve Yurtsuzluk Kavramları Üzerine Bir Sorgulama. İdealKent, ۱۰۷-۳، ۱۴۲.

نمایندگی کافی و سطح مناسب ابراز نظر ساکنان شهر از طریق کانال‌های سیاسی، موجب افزایش خشونت و جرم در شهرها می‌شود.^۱

پژوهشگرانی که به بررسی عوامل مؤثر بر جرم شهری پرداخته‌اند، ارتباط آماری معناداری میان سطح تحصیلات و جرم را نشان داده‌اند. این مطالعات نشان داده‌اند که نه تنها سطح پایین تحصیلات، بلکه حتی سطح بالای تحصیلات نیز جرم را از بین نبرده، بلکه موجب تخصصی‌تر شدن آن شده است در تحقیقات خود نشان داده‌اند که سطح پایین تحصیلات باعث افزایش نرخ جرم می‌شود.^۲

۲-۲. عوامل اقتصادی

هنگامی که شهرها به‌عنوان بخشی از سیستم اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند، به دلیل نقش آن‌ها به‌عنوان مراکز تولید و بازاریابی، سهم قابل توجهی که از بودجه ملی در تأمین کالاها و خدمات عمومی دریافت می‌کنند و اینکه کانون اشتراک درآمدهای زمین هستند، از اهمیت خاصی برخوردارند.

در شهرها، علاوه بر مکانیزم‌های قانونی که بر عملکرد سیستم اقتصادی شهری تأثیر می‌گذارند، گروه‌های ذینفع مختلف مانند سازمان‌های هم‌شهری نیز بر این مکانیزم‌ها تأثیر می‌گذارند. این کانون‌های خارجی که بر سیستم اقتصادی تأثیر می‌گذارند، اهداف و منافع خاص خود را دارند. میزان تأثیرگذاری این کانون‌های خارجی فعال در شهرها می‌تواند موجب بروز مشکلاتی در عملکرد سیستم اقتصادی شهری شود. علاوه بر این، تجمع نیروی کار در مناطق شهری و ایجاد ذخیره‌ای از نیروی کار احتیاطی، استفاده از منابع حاشیه‌ای در تولید و ناسالم شدن روابط کاری در مناطق شهری منجر می‌شود. در این سیستم که به لحاظ اقتصادی مضطرب است، جرائم مربوط به کار، خشونت، اعمال زور و اعتراضات ناشی از روابط کاری نامناسب ظهور می‌یابد.^۳

مطالعات انجام‌شده در زمینه جرم شهری نشان داده‌اند که عوامل اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه جرم شهری دارند و دریافته‌اند که مشکلات، آشفتگی‌ها و نابرابری‌های موجود در ساختار اقتصادی، میزان جرم و خشونت را افزایش می‌دهد. امروزه، رویکردهای مختلفی توسعه‌یافته‌اند که بر اساس این داده‌ها، نابرابری‌های اقتصادی یا بحران‌های اقتصادی در شهرها موجب برهم خوردن نظم ساختار اجتماعی و در نتیجه فقر و محرومیت می‌شود که این امر زمینه‌ساز بروز جرم است، به‌طوری‌که افرادی که از تجهیزات و امکانات کافی برخوردار نیستند، به مزایای شهر دسترسی ندارند.

۱- Ayhan, İ. ve Çubukçu, K. M. (۲۰۰۷). Suç ve Kent İlişikisine Ampirik Bakış: Literatür Taraması. Süleyman Demirel Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi, ۵۵-۳۰, (۵)۳.

۲- Aliyev, N. (۲۰۱۹). Modern Suçun Nedenleri ve Koşulları, Bir Dizi Belirleyici: Genel Bir Bilimsel İnceleme. Adli Bilimler ve Suç Araştırmaları Dergisi, ۲۱-۷, (۱)۱.

۳- صادقی، دکتر حسین، شهری، وحید شقاقی، پور، حسین اصغر. (۱۳۸۴). تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران. فصلنامه تحقیقات اقتصادی

طرد شده‌اند و فاقد امکانات لازم برای برآورده کردن نیازهای شهری هستند، احتمال بیشتری دارد که به سمت ارتکاب جرم تمایل پیدا کنند.^۱

۲-۳. عوامل جمعیت شناختی

جرم به‌عنوان یک پدیده پیچیده، از عوامل مختلفی متأثر است که یکی از آن‌ها «جمعیت‌شناسی» است. در ارتباط بین جرم و جمعیت‌شناسی، باید به متغیرهایی نظیر جمعیت، سن، جنسیت، خانواده و ساختار قومی توجه داشت.

در مطالعات انجام‌شده درباره ارتباط جرم و ساختار جمعیت‌شناسی، ارتباطی بین «سن» و بروز جرم مشاهده شده است. مطالعات نشان داده‌اند که نرخ جرم در گروه سنی ۱۵-۲۹ سال در شهرها بالا است. اما تبیین این نرخ بالای جرم در این گروه سنی صرفاً با عوامل فردی یا روانی مرتبط باسن، رویکردی ناقص است. در این زمینه مطالعات مهمی انجام داده و نشان داده است که عوامل محیط اجتماعی، خانواده و وضعیت اقتصادی در شکل‌گیری الگوی مجرمان سنی در شهرها مؤثر هستند. همچنین، پژوهش‌هایی وجود دارند که ارتباط بین بروز جرم در شهرها و از بین رفتن همگنی جمعیتی شهرها را بررسی کرده‌اند^۲ عوامل مؤثر بر از بین رفتن همگنی جمعیتی شهرها شامل نرخ تولد خارجی، مهاجرت و توزیع نژادی است. رویکرد مناسب در این زمینه آن است که مسئله همگنی جمعیتی و ارتباط آن با جرم را در بستر دگرگونی‌های اجتماعی بررسی کرد. در این راستا، مشخص کردن یک نژاد یا گروه خاص به‌عنوان مجرم بالقوه، رویکرد صحیحی برای تحلیل جرم در شهرها نخواهد بود. با این وجود، برخی مطالعات انجام‌شده در زمینه جرم در شهرها، ارتباطی بین برخی جرائم ارتكابی در شهرها و گروه‌های قومی خاص را نشان داده‌اند.^۳ بنابراین، ارزیابی ارتباط میان نژاد و جرم در بستر فرهنگ شهری، فرهنگ قومی، تغییرات اجتماعی-اقتصادی و اقدامات سیاسی رویکرد مناسب‌تری خواهد بود.

۲-۴. عوامل مکانی

در پژوهش‌های مربوط به جرم، الگوی مکانی شهر بر شکل‌گیری جرم تأثیرگذار دانسته شده است. به‌عبارت‌دیگر، جرم با مکان و افراد استفاده‌کننده از آن مکان مرتبط در نظر گرفته شده است در

۱- Uslu, E. (2011). Sosyo ekonomik bir olgu olarak kentsel suç; Bakırköy ve Küçükçekmece örnekleri. Yayınlanmamış yüksek lisans tezi, İstanbul Üniversitesi, İstanbul.

۲- Gruenewald, P. J., Freisthler, B., Remer, L., LaScala, E. A. & Treno, A. (۲۰۰۶). Ecological Models of Alcohol Outlets and Violent Assaults. Crime Potentials and Geopolitical Analysis Adictions, ۶۶۶-۶۶۷, ۱۰۱.

۳- Shade, M. (۲۰۰۲). Risk of Factors of Delinquency: An Overview <https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/ojdp/frd02127.pdf?q=risk-and-protective-factors-of-child-delinquency>. Erişim: -۱۱-۲۲ ۲۰۲۲.

مطالعات بررسی ارتباط میان مکان شهری و جرم، عواملی مانند اندازه شهر، طرح‌ریزی شهری، امکان نظارت و کنترل فیزیکی، فرصت‌های دسترسی، نورپردازی، دسترسی به مرکز شهر، محل‌های عرضه الکل و توزیع آن‌ها به‌عنوان عوامل مؤثر بر ارتباط مکان و جرم مطرح‌شده‌اند^۱.

در رویکردهای مبتنی بر دسته‌بندی مکان، تأثیر مناطق با تراکم جمعیتی بالا در شهرها را بر شکل‌گیری جرم نشان داده است. همچنین، در مطالعه‌ای نشان داده‌شده است که توسعه نامنظم شهری موجب افزایش نرخ جرم می‌شود. همچنین بیان‌شده است که مناطق متروکه، غیرکاربردی یا بلااستفاده در شهرها نرخ جرم را افزایش می‌دهد^۲.

۳. رابطه شهرنشینی و جرم در چارچوب نظریه جرم‌شناسی رادیکال

جرم به‌عنوان بخشی از وجود انسانی، پدیده‌ای پویا است که همگام با تحول بشریت دستخوش تغییر شده است. در این راستا، گذار به زندگی شهری را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ بشریت دانست، زیرا با این گذار، ماهیت جرم و رفتار مجرمانه نیز دستخوش تغییرات شده است. عواملی مانند مهاجرت، شهرنشینی نامنظم، مشکلات اجتماعی-اقتصادی و سیاسی، تعارضات قومی و نژادی و تحولات اجتماعی و فرهنگی، موجب ظهور مسائل جدید در زندگی شهری شده و ضرورت بازنگری در مفاهیم جرم و عدالت را ایجاب کرده‌اند.

با توجه به تنوع انواع جرم و متغیرهای مرتبط با آن در مطالعات انجام‌شده برای تبیین جرم و رفتار مجرمانه، نمی‌توان گفت که این مطالعات صرفاً یک فهم واحد از جرم ارائه داده‌اند. در این راستا، «نظریه جرم‌شناسی رادیکال» نیز یکی از رویکردهای ارائه‌شده برای تبیین جرم است.

نظریه جرم‌شناسی رادیکال، مفهوم جرم را بر اساس ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، جمعیت‌شناسی و سیاسی جامعه موردبررسی قرار می‌دهد. این نظریه معتقد است که جرم، ترکیبی از ویژگی‌های مختلف ساختار اجتماعی است. در این چارچوب، رویکردی وجود دارد که معتقد است جرم، مجرم، رفتار مجرمانه و مجازات در نظام ارزشی جامعه‌ای که در آن قرار دارند معنا پیدا می‌کنند^۳.

نظریه جرم‌شناسی رادیکال، جرم را به‌مثابه محصول نظام سرمایه‌داری در نظر می‌گیرد. از این منظر، در تحلیل‌های جرم، بیشتر رویکردی کلان‌مقیاس حاکم است. نابرابری در توزیع ثروت در نظام سرمایه‌داری، شرایط زندگی نامطلوب و دگرگونی فرهنگی تحمیل‌شده توسط ایدئولوژی سرمایه‌داری

۱- Hideg, G. & Manchin, R. (۲۰۰۷). Environment and Safty in European Capitals. European InternationalCrime Survey- EUICS Working Paper Series, Gallop, Europe.

۲- Gruenewald, P. J., Freisthler, B., Remer, L., LaScala, E. A. & Treno, A. (۲۰۰۶). Ecological Models ofAlcohol Outlets and Violent Assaults. Crime Potentials and Geopolitical Analisis Adictions, ۶۷۷-۶۶۶, ۱۰۱.

۳- Gölbaşı, S. (۲۰۰۸). Kentleşme ve Suç. İstanbul: On İki levha Yayıncılık.

به‌عنوان عوامل اصلی تحریک افراد به سمت ارتکاب جرم شناخته می‌شوند. در این درک، هرچند جرم به‌مثابه عملکرد فقر دیده می‌شود، اما پذیرفته می‌شود که ثروتمندان نیز ممکن است برای ارتقای موقعیت و افزایش ثروت خود به جرم متوسل شوند

ویلیام چمبلیس^۱ که یکی از نظریه‌پردازان رادیکال است، مدعی است که جرم ناشی از ساختار ایدئولوژیک سرمایه‌داری است که مصرف را تحمیل می‌کند. در این رویکرد، نظام سرمایه‌داری درحالی‌که افراد را به سمت مصرف بیشتر و مصرف لوکس‌تر سوق می‌دهد، امکانات و فرصت‌های برابر در اختیار همه قرار نمی‌دهد. این نابرابری ساختاری و میل به دستیابی به بیشتر، انگیزه ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد^۲

ویلیام بونگر^۳ که دیگر یکی از نظریه‌پردازان جرم‌شناسی رادیکال است، به نقش مرکزی خودخواهی و اندیشه‌های خودمدارانه افراد در نگرش و رفتار آن‌ها در جوامع سرمایه‌داری و ضعف کنترل درونی ناشی از آن به‌عنوان عاملی که انگیزه ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد، اشاره کرده است. او همچنین ساختار نابرابر روابط تولید و مصرف، رقابت بی‌رحمانه و نظام حقوقی که منافع طبقه مسلط را حفظ می‌کند را به‌عنوان عواملی مرتبط با نرخ بالای جرائم در جوامع سرمایه‌داری مطرح کرده است. در این چارچوب، می‌توان گفت که ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مبتنی بر خودخواهی و منفعت در جوامع سرمایه‌داری، انگیزه ارتکاب جرم را چه در میان طبقه بورژوا و چه در میان طبقه پرولتاریا افزایش می‌دهد.^۴

در رویکرد جرم‌شناسی رادیکال، جرم به‌مثابه پدیده‌ای باریشه در ساختار اجتماعی موردپذیرش است. بر این اساس، برای درک شکل‌گیری جرم، باید ساختارهای اقتصادی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی را هم‌زمان موردتوجه قرارداد. تمرکز جرم‌شناسان رادیکال بر جامعه سرمایه‌داری به‌عنوان بستری که جرم در آن ظهور می‌کند، به‌نوعی نقد جامعه سرمایه‌داری توسط این نظریه تلقی شده است. بااین‌حال، این نظریه به دلیل تأکید بیش‌ازحد بر ساختار جامعه سرمایه‌داری و تضاد طبقاتی در تبیین جرم، در توضیح برخی جرائم (مانند سوءاستفاده جنسی، خشونت و غیره) که در بین جوامع سرمایه‌داری متفاوت است، با چالش مواجه شده است. نمایندگان نظریه جرم‌شناسی رادیکال برای پاسخ به انتقادات وارد بر محدودیت و ابتکار‌پذیری تحلیل‌های این نظریه در خصوص جرم، با گذر زمان، در تبیین جرم به عواملی همچون فروپاشی خانواده، ساختار و تراکم شهری، یادگیری

۱- Chambliss

۲- حاتمی نژاد، حسین، منصور، بابر، فعلی، محمد. (۱۳۹۲). تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت. فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی « سپهر»، ۲۲(۸۷)، ۶۸-۷۶.

۳- Bongger

۴- Kızmaz, Z. (۲۰۰۶). Suçun Siyasi Doğası Üzerine Odaklaşan Kuramlar ve Bu Kuramların Eleştirisi. Abant İzzet Baysal Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi, ۱۲(۱), ۹۷-۱۱۴. Koçyiğit, G. B. (۲۰۱۸). Mark

و اجتماعی شدن نیز توجه کرده‌اند تا دامنه دیدگاه این نظریه در تبیین جرم را گسترش دهند^۱

با وجود تمامی دستاوردهای نظریه جرم‌شناسی رادیکال در تبیین ریشه‌های اجتماعی جرم، این نظریه نیز مانند هر نظریه دیگری دارای محدودیت‌ها و نقاط ضعف است. یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که به این نظریه وارد می‌شود، تاکید بیش از حد بر ساختارهای اقتصادی و نادیده گرفتن عوامل فردی و روانشناختی در ارتکاب جرم است. برخی از منتقدان معتقدند که این نظریه در توضیح جرایمی مانند خشونت خانوادگی، آزار و اذیت کودکان و برخی جرایم جنسی که ریشه در اختلالات روانی یا عوامل فردی دارند، با مشکل مواجه می‌شود.

همچنین، تعمیم‌پذیری یافته‌های این نظریه به همه جوامع و فرهنگ‌ها نیز مورد سوال قرار گرفته است. برخی از پژوهشگران معتقدند که عوامل فرهنگی، اجتماعی و تاریخی هر جامعه‌ای بر شکل‌گیری و نوع جرایمی که در آن جامعه رخ می‌دهد، تأثیرگذار است.

در پاسخ به این انتقادات، برخی از نظریه‌پردازان رادیکال تلاش کرده‌اند تا دیدگاه خود را گسترش دهند و عوامل دیگری مانند فرهنگ، خانواده، آموزش و رسانه‌ها را نیز در تحلیل‌های خود وارد کنند. به عنوان مثال، آنها به نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و تأثیر آن بر رفتار مجرمانه پرداخته‌اند. همچنین، به نقش رسانه‌ها در ترویج خشونت و ایجاد الگوهای رفتاری نادرست اشاره کرده‌اند.

۴. مکان شهری

به‌طور کلی، مکان می‌تواند به‌عنوان محدوده جغرافیایی/فیزیکی زندگی تعریف شود. اما تصور مکان به‌عنوان صرفاً سازه‌هایی که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند و روابط روزمره خود را برقرار می‌کنند، به معنای محدود کردن جنبه اجتماعی مکان است. زیرا مکان، عنصری پویا و تأملی است که دربردارنده ابعاد ایدئولوژیک عملیات روزمره زندگی اجتماعی، روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع است. در این معنا، مکان بازندگی اجتماعی همانندسازی شده و به‌طور نامرئی در آن غرق گشته است. بنابراین مکان چیزی است که چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و تمایل به پذیرش آن همان‌طور که هست وجود دارد.

با توجه به این‌که تحولات ساختار اجتماعی از طریق مکان قابل مشاهده است، علاوه بر اینکه مکان محیطی برای ادامه و توسعه روابط اجتماعی است، دارای وجهی است که متمایزکننده و متمایز شده در درون نظام روابط اجتماعی است. مکان‌ها به‌عنوان بخشی از ساختار اجتماعی، محل انجام اعمال، نمایش‌ها، رویدادها و تجربیات در سطوح مختلف هستند که میزبان پدیده‌هایی مانند یکپارچگی، تفرق و تعارض می‌باشند. مکان‌هایی که زندگی اجتماعی و روابط اجتماعی در آن‌ها شکل می‌گیرند، به‌عنوان بخشی از تجربیات فردی و اجتماعی به خاطر سپرده می‌شوند و با خاطرات مرتبط شده و در فرهنگ و حافظه جمعی جای می‌گیرند. این موضوع، ارتباط مکان با احساس تعلق، هویت و فرهنگ

۱- Bahar, H. İ. (2009). Sosyoloji. Ankara: Uşak Yayınları.

را شکل می دهد.^۱

افراد، مکان زندگی خود را درک، معنا دهی، طراحی، زیست، بازسازی و تصور می کنند. به این ترتیب، مکان ها در نظام روابط اجتماعی زنده می شوند. به عنوان یکی از عناصر اساسی ساختار اجتماعی، همراه با جامعه زندگی می کنند. به این صورت، کانال های برقراری رابطه فرد و جامعه با مکان ساخته شده اند مکان های شهری، عناصر اساسی تشکیل دهنده شهر هستند. به عنوان مکان هایی که شهر در آن ها نفس می کشد، افراد در آن ها گرد هم می آیند و خاطرات و آثار مشترک به جا می گذارند، زمینه ای فرهنگی برای بازسازی تاریخ و هویت شهر فراهم می کنند. مکان های شهری که ویژگی های فیزیکی و اجتماعی خود را از دست می دهند، به تدریج به مکان های بی هویتی تبدیل می شوند. در دوران کنونی که مصرف نقش مرکزی دارد، خطر مواجهه مکان های شهری با چنین واقعیتی بیش از پیش افزایش یافته است.^۳ چرا که با صنعتی شدن، مکان های شهری که به مکان تبادل کالا و انسان تبدیل شده اند، به سرعت از نقش خود به عنوان نقاط تلاقی در خیابان های شهر دور شده و توسط مصرف سازمان دهی می شوند. امروزه خیابان، صرفاً نقطه عبور اجباری بین محل کار اجباری، فعالیت های اوقات فراغت برنامه ریزی شده و محل مصرف یعنی خانه است. در فرآیند تولید مکان، هویت های شهری که دارای میراث تاریخی و فرهنگی غنی هستند، حفظ نشده اند. جمعیت شهری که بخش عمده ای از آن بر مصرف متمرکز است، با استراتژی های در حال اجرا، به عنوان آماده سازان مکان های شهری جدید که قرار است تولید و عرضه شوند، از مراکز شهری به سوی این مکان های جدید در حرکت هستند. مکان های بی دفاع می توانند به عنوان محصولی از این فرآیند تولید ارزیابی شوند.^۴

طرح فیزیکی مکان، ابزاری برای تمایز افرادی است که در این طرح قرار می گیرند. بنابراین، شیوه تعریف مکان، شامل اطلاعاتی است که درباره افرادی که درون و بیرون آن هستند نیز ارائه می دهد. مکان مشترک، عاملی مؤثر در تقویت احساس تعلق مشترک برای آن هایی است که این مکان را با هم به اشتراک می گذارند. شکل گیری ادراک از مکان و طراحی مکان، بر مبنای ماهیت فرهنگی روابط برقرار شده بین انسان و محیط تعیین می شود. اما در حالی که گفته می شود فرهنگ عامل مهمی در شکل دهی به مکان است، باید به این نکته نیز توجه داشت که مکان نیز عنصری است که به فرهنگ شکل می دهد. معانی حاصل از این تعامل دوسویه، اغلب به شکل تصاویری که فرد و جامعه را احاطه می کنند، در چرخه ارتباطی قرار دارند. مکان ها از طریق اشتراک، استفاده، انتقال و به یاد آوردن این

۱- Assmann, J. (2001). *Kültürel Bellek: Eski Kültürlerde Yazı, Hatırlama ve Politik Kimlik*. A. Tekin(Çev.). İstanbul: Ayrıntı Yayınları.

۲- Aytaç, Ö. (2013). Kent Mekânları ve Kimlik/Farklılık Sorunu. *İdeal Kent*, 9, 138-169.

۳- Lefebvre, H. (2014), *Mekânın Üretimi*, (Çev. I. Ergüden), 2. Baskı, İstanbul: Sel Yayıncılık.

۴- Aktay, A. (2020). *Seçkinleştirme Karşısında Bariyer Semtler/Kimlikli Mekanlar*. Ankara: Tezkire.

تصاویر در زندگی اجتماعی، الگوی هویتی منحصر به فرد خود را پیدا می کنند^۱

در عصر کنونی، عوامل متعددی همچون فرآیندهای مدرنیزاسیون، جریان های جمعیتی، روابط سرمایه داری و گردشگری، موجب فرسایش معانی نسبت داده شده به مکان و هویت مکانی موجود می شوند. هنگامی که این تحولات با تغییرات در سبک زندگی افراد همراه می شود، حفظ معنا و هویت مختص خود توسط مکان به مسئله ای پیچیده تبدیل می شود.

در فرآیند توسعه سرمایه داری، مکان های شهری مدرن که با تفسیر ایدئولوژی مدرن و رویکرد معماری جهانی برای پشتیبانی از فعالیت های اقتصادی و مالی جدید ساخته می شوند و تقریباً شبیه یکدیگرند، با ساختارهایی همچون مراکز خرید، هتل ها، بزرگراه ها، بیمارستان ها و مجتمع های ورزشی که بازتابی از ارزش های اصیل شهر نیستند، ناشناس سازی شده و دچار فرسایش هویت می شوند. در این راستا، مکان های شهری که ارتباطی با گذشته، تاریخ و فرهنگ ندارند، به دلیل از دست دادن معنای خود به «مکان بی دفاع» تبدیل می شوند^۲

این گذار در ادراک مکان، موجب تار و مار شدن ارتباط مکان با شهر، اجتماعی شدن، روابط تعلق و وابستگی و شکل گیری گروه های مکانی مختلف شده است. در تحریف معنایی مکان، وجود القای فرهنگی برای انجام رفتارهای استاندارد شده با رویکردی ایدئولوژیک مدرن در روابط مکانی مهم است.^۳ در این چارچوب، مناطقی که افراد نمی توانند با آن ها هویتی، تاریخی و رابطه ای برقرار کنند و فاقد معنای مختص خود هستند و تنها از طریق روابط رویه ای قابل درک هستند، «مکان بی دفاع» نامیده می شوند^۴

بخشی دیگر از ویژگی های مکان های بی هویت و بی دفاع شهر مدرن که متشکل از بزرگراه ها، بیمارستان ها، مراکز خرید، پارک های تفریحی و مانند آن ها هستند، عبارت است از اینکه علاوه بر داشتن ماهیت بی هویت و ناشناس، ارتباط با آن ها از طریق تصاویر، متون، نشانه ها یا نمادهای از پیش تولید شده صورت می گیرد. به این ترتیب، رابطه فرد با شهر فراتر از اراده خود وی، بر اساس طرح های از پیش تعیین شده شکل می گیرد. در این شرایط، نادرست نیست که بگوییم زندگی روزمره قالب بندی بر اساس جریانی از پیش تعیین شده به سطح نمادین فرورفته است

۱- Lynch, K. (2010). Kent İmgesi. İrem Başaran (Çev.). İstanbul: Türkiye İşbankası Kültür Yayınları

۲- Koçyiğit, G. B. (2018). Mark Auge'de Yok Yer (Non- Lieu) Kavramı Üzerine Bir Epistemolojik Çözümleme. Megaron, 13(4), 536-544.

۳- Ague, M. (2016). Yok Yer, Üst Modernliğin Antropolojisine Giriş. İstanbul: Daimon.

۴- Özerk, G. B. ve Yüksekli, B. A. (۲۰۱۱). Küresel Kent, Kentsel Markalaşma ve Yok Mekân İlişkileri. İdeal Kent, ۹۳-۸۲, ۳.

در زمینه بی‌معنا بودن مکان، قطع ارتباط افراد با گذشته خود از طریق معانی نسبت داده‌شده به مکان و عدم امکان پیش‌بینی پتانسیل آینده برای مکانی که با کدهای رویه‌ای برچسب زده‌شده، به «اکنون» بودن فرد محدود می‌شود. در این مرحله، احساس «بی‌انتهایی» و «پیش‌بینی‌ناپذیری» که به زندگی اجتماعی نفوذ می‌کند، می‌تواند موجب ایجاد احساساتی مانند تجزیه و تحلیل و بی‌معنایی در افراد یا گروه‌ها شود. ذهنی که از واقعیت جدا می‌شود و عاطفی می‌شود، در برابر تأثیرات بیرونی آسیب‌پذیرتر خواهد شد. در این محدوده، نفوذ ایدئولوژی حاکم بر محیط اطراف وی تقویت خواهد شد. فردی که ارتباطش با مکان، تاریخ، فرهنگ و خودش ضعیف شده، دیگر به الگوهای رفتاری و فکری که برایش طراحی شده، محکوم خواهد بود.^۱

مکان‌های ناشناس سازی شده، طراحی شده و فاقد زمینه، در رابطه مکان-جامعه کالایی شده و به ابزاری برای اعمال قدرت تبدیل می‌شوند بی‌تردید، تجربیات مبتنی بر مکان یا روابط شکل گرفته بر مکان، به ویژگی‌های رفتار، اندیشه، روابط و معانی اشاره دارند. بنابراین، می‌توان گفت میان مکان و رفتار، نگرش و آگاهی که در آن شکل می‌گیرد، ارتباط وجود دارد. در زندگی اجتماعی، الگوهای رفتاری اغلب تحت تأثیر عوامل محیطی شکل می‌گیرد؛ گاهی نیز ادراکات فردی به‌عنوان مرجع این ارتباط عمل می‌کنند. در این حالت، شکل‌گیری و تداوم رفتارهای متفاوت در زندگی اجتماعی، حاصل ترکیب فرآیندهای اجتماعی و مکانی است.^۲

مکان به‌عنوان عرصه‌ای که روابط اجتماعی در آن شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد، همچنین ابزاری سیاسی و ایدئولوژیک است. به‌این‌ترتیب، بازتولید روابط هژمونیک قدرت، تضادهای اجتماعی و نابرابری‌ها در مکان مطرح است روابط متضمن تعارض و مبارزه در مکان، مستقیماً بر ادراک، طراحی و استفاده از مکان تأثیرگذار هستند.^۳ از این منظر، تبدیل مکان به مکان بی‌دفاع به معنای آن است که شهر مدرن در فرآیند تغییر خود، معنا، تاریخ و واقعیت خود را مصرف کرده است. مکان‌های بی‌دفاع، در چارچوب ایدئولوژی مدرن، از یک‌سو به‌عنوان صحنه‌ای مناسب برای واقعیت‌های کاذب، خوشبختی‌های مجازی، تحریک‌شده آرزوها و آزادی‌های بی‌پایان ارائه‌شده به توده‌ها عمل می‌کنند و از سوی دیگر بخشی از آنومالی اجتماعی هستند.^۳

1. چارچوب نظریه جرم‌شناسی رادیکال: رابطه بین جرم شهری و مکان بی‌دفاع

مکان، صحنه‌هایی هستند که میزبان تجربیات شخصی، احساسی، فکری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افراد در ارتباط با دیگران و جامعه هستند. بنابراین، یکی از ابعاد که باید در تحلیل‌های مربوط به ساختار اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، مفهوم مکان و ادراک مکان است. در این راستا،

۱- Koçyiğit, G. B. (2018). Mark Auge'de Yok Yer (Non- Lieu) Kavramı Üzerine Bir Epistemolojik Çözümleme. Megaron, 13(4), 536-544.

۲- Durukan, A. ve Öztürk, B. Ö. (۲۰۲۱). Mekân ve Kültürel Demans. İdil, ۳۹-۳۱, ۷۷.

۳- Aytaç, Ö. (۲۰۱۳). Kent Mekânları ve Kimlik/Farklılık Sorunu. İdeal Kent, ۱۶۹-۱۳۸, ۹.

مکان، فضا و معنا بخشی به مکان، در درک بسیاری از عوامل/فرایندهای موجود در ساختار اجتماعی برجسته می‌شوند. در درک پدیده «جرم» در درون ساختار اجتماعی، توجه به مفهوم مکان نیز امری مهم است.

مطالعات مربوط به جرم نشان داده‌اند که ادراک مکان یا طراحی مکان، یک متغیر مهم است. جرم اغلب شامل تمایزات خودمختار است که بر اساس شکل و شدت ارتباط افراد یا گروه‌ها با مکان شکل می‌گیرد. همچنین، ویژگی‌های ذاتی مکان نه تنها به خودی خود بر شکل‌گیری جرم تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند سایر عوامل مؤثر بر جرم را نیز تقویت کرده و گرایش به جرم را افزایش دهند. هم‌زمان با تغییرات ناشی از فرایند جهانی‌شدن جوامع مدرن، رویکردهای مختلفی در زمینه مکان نیز ظهور کرده‌اند. در این زمینه، درک نقش مکان در ایجاد جرم در دوره جدید، به‌عنوان یک عامل مهم مورد تأکید قرار گرفته است.

تجربیات یا عملکردهای مکانی، به‌طور کلی، در شکل‌گیری رفتارها، نگرش‌ها و ادراکات مربوط به جرم مؤثر هستند. محققانی مانند اسمیت و کاتز، بر این نکته تأکید دارند که مکان، بستری سیاسی و ایدئولوژیک برای زندگی روزمره است. این رویکرد با ادعای اینکه اقتصاد سرمایه‌داری در شکل‌گیری نبود مکان مؤثر است و با بازطراحی مکان بر اساس منافع خود و همچنین باز شکل‌دهی آن با کدهای ایدئولوژیک، روابط قدرت را در این عرصه‌ها بازتولید می‌کند، همسو است. به همین ترتیب، ادعای نظریه جرم‌شناسی رادیکال مبنی بر اینکه جرم در شهرها به‌عنوان یک کارکرد نظام سرمایه‌داری پذیرفته می‌شود، با توضیحات ارائه‌شده درباره شرایط ظهور نبود مکان همسو است. در این راستا، می‌توان گفت که ادعای ارتباط بین جرم شهری و نبود مکان به‌عنوان نتیجه‌ای از سیاست‌های کنونی مربوط به مکان، هم در شکل‌گیری نبود مکان و هم در نظریه جرم‌شناسی رادیکال، یک همپوشانی مشترک دارد.^۱

ادعای دیگر نظریه جرم‌شناسی رادیکال در ارتباط با ظهور جرم شهری این است که پدیده مصرف شکل‌گرفته در درون نظام سرمایه‌داری، امروزه فراتر از نیازهای طبیعی رفته و به سمت مصرف نمادها و نشانه‌ها گرایش یافته است در توضیحات مربوط به تبدیل مکان به مکان بی‌دفاع، بیان می‌شود که شکل جدید به مناطقی تبدیل‌شده که از طریق نشانه‌ها و نمادها قابل ارتباط است و این مناطق به‌عنوان بخشی از رفتارها و اقدامات روندی که مصرف را تشویق می‌کند، کالایی شده‌اند. این درک، نمایانگر آن است که نبود مکان بخشی از رفتار تحریک‌شده مصرف است و با ادعای نظریه جرم‌شناسی رادیکال مبنی بر اینکه درک مصرف بی‌حدومرز در جوامع سرمایه‌داری، گرایش به جرم در شهرها را افزایش می‌دهد، همسو است.

ویژگی مصنوعی و جداسده از واقعیت تاریخی و فرهنگی مکان بی‌دفاع شهری را می‌توان به‌عنوان انعکاسی از این واقعیت در نظر گرفت که این مفهوم در فرایند جهانی‌شدن، مجدداً به معنایی بازتفسیر شده است که در چارچوب نیازهای سیستم سرمایه‌داری قرار دارد. ساختار این معانی

۱- Aytar, V. (۲۰۰۵). Metropol. İstanbul: L&M Yayınları.

مصنوعی که عمدتاً از متون و نشانه‌های نمادین تشکیل شده است، فرد خودمحور و خودخواه را در این مناطق مجبور می‌کند تا به‌طور فزاینده‌ای وجود، ارزش و اثبات خود را در برابر جامعه و خود به نمایش بگذارد. این اجبار، بر اساس نظریه جرم‌شناسی رادیکال، موجب تضعیف کنترل درونی فرد شده و ظهور رفتارها و افکار مجرمانه را تسهیل می‌کند.

در معنا بخشی به فضای بی‌دفاع که با تحول مکان ظاهر شده است، از وجود استانداردهای جهانی در تعیین معیارها و شرایط استفاده سخن گفته می‌شود. اما نظریه پردازان جرم‌شناسی رادیکال معتقدند که پشت این رویکرد که به ناشناس شدن مکان‌ها منجر می‌شود، قوانینی نهفته است که بر اساس منافع طبقه مسلط تعیین شده‌اند. این نظریه پردازان، بر این اساس، استدلال می‌کنند که ایدئولوژی جهانی و نیازهای نئولیبرال پشت آن که در شکل‌گیری نبود مکان نقش دارند، همچنین در تعریف جرم استفاده شده و به این ترتیب، رفتارهایی که با منافع طبقه مسلط مغایرت دارند، به‌عنوان جرم تلقی شده‌اند.

برخی متفکران معتقدند که مکان در چارچوب نیازهای جهانی امروز، مجدداً بر اساس استراتژی‌های تفاوت بازسازی شده است. با بازسازی مکان بر مبنای تفاوت‌ها، بازیگران و گروه‌های عملی که در برابر موقعیت مسلط در ساختار اجتماعی قرار گرفته‌اند، ممکن است به این مکان‌های دگرگون شده بازگشته و علیه قدرت یا نظم موجود اقدامات متقابل را حمایت کنند. این موضوع اگرچه در چارچوب نظریه جرم‌شناسی رادیکال به‌عنوان نوعی واکنش بقا تفسیر شود، اما این نظریه همچنین بیان می‌کند که این نوع حرکات به دلیل اینکه مستقیماً به منافع حاکمان را هدف قرار می‌دهند، در نظام حقوقی تعریف شده توسط نهاد قدرت به‌عنوان جرم تلقی خواهند شد.^۱

با تبدیل شدن مکان به فضای بی‌دفاع و از دست دادن معنای فرهنگی آن در درون ساختار اجتماعی، می‌توان گفت که به‌جای آن، مفاهیمی مانند عقلانیت، فردگرایی، منافع اقتصادی، مد و فناوری تعیین‌کننده شده‌اند. این فرایند موجب شکل‌گیری احساساتی مانند فردگرایی، تنهایی، تجاری شدن و بی‌اعتمادی در نبود مکان شده و روابط اجتماعی در ساختار شهری را مصنوعی، موقت و ناپایدار کرده است. به این ترتیب، بیگانگی، تفرق و تجزیه حاکم بر شبکه‌های روابط اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز نگرش‌ها، رفتارها و افکار مرتبط با جرم در مناطق شهری باشد.^۲

جالب توجه است که توضیحات ارائه شده در مورد تجزیه و تحلیل ساختارهای اجتماعی که بر اساس نظریه جرم‌شناسی رادیکال بر ظهور جرم تأثیرگذارند: شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی و تأثیری که آن‌ها بر فرایند اجتماعی شدن، یکپارچگی فرهنگی و سیاسی دارند،

۱- Soja, E. & Hooper, B. (۱۹۹۳). The Space Difference Makes: Some Note of Geographical Margin of The New Culturel Politics. Michael Keith and Steve Pile (Der.) Place and Politics of Identitiy in (۲۰۰-۱۸۳). London: Routledge.

۲- Kurtuluş, H. (۲۰۰۵). Bir «ütopya» Olarak Bahçeşehir. H. Kurtuluş (Der.). İstanbul'da Kentsel Ayrışmaçinde, (۱۲۳-۷۷). İstanbul: Bağlam Yayınları.

با توضیحاتی که بر تجزیه ساختار اجتماعی به عنوان عامل ایجاد فضای بی دفاع تأکید دارند، ریشه مشترکی دارند. بررسی مفاهیمی که در تبیین فضای بی دفاع به کار گرفته می شوند نشان می دهد که آن ها در عین حال فیلترهایی هستند که به لحاظ زمانی و فیزیکی بر مکان محدودیت اعمال می کنند. بر این اساس، باید به تأثیر این رویکرد در افزایش قطبی شدن در زندگی شهری توجه کرد. این مرزهای مصنوعی تثبیت شده در درون جامعه برای برخی ایجاد فضای امنیت می کند، در حالی که برای برخی دیگر نشانه ای از حرکت رهایی از موانع است. این تضادها زمانی که با گسستگی، بی ریشگی و بی معنایی نبود مکان ترکیب می شوند، می توانند گرایش به جرم در مناطق شهری را افزایش دهند.^۱

نتیجه گیری

جرم را می توان به عنوان نگرش ها، رفتارها یا افکاری تعریف کرد که با ارزش های مسلط و جاری در ساختار اجتماعی ناسازگار بوده و به همین دلیل هدف قرار دادن نظم اجتماعی هستند و در صورت بروز، مجازات مختلفی را به دنبال دارند. مهم ترین ویژگی جرم این است که توسط اجزای ساختار اجتماعی تعریف و معنا می یابد. در این زمینه، نمی توان گفت که معیار اصلی تعیین یک رفتار به عنوان جرم، چیزی جز ارزش های فرهنگی جامعه است.

جرم، فرایندی پویا و رابطه ای است که در درون ساختار اجتماعی ظهور می کند و دارای اجزای مختلفی است. جرم شهری که می تواند به عنوان نوعی دیگر از جرم در نظر گرفته شود، نتیجه تعامل در سطوح مختلف همه عناصر تشکیل دهنده شهر است. در این معنا، جرم شهری پدیده ای است که به واسطه گرد هم آمدن چندین جزء در فضای شهری شکل می گیرد. مکان که بخش مهمی از بافت شهری است، یکی از اجزای مرتبط با جرم نیز محسوب می شود. اما اشتباه است که مکان را صرفاً به عنوان یک موجودیت فیزیکی در ارتباط با جرم در نظر بگیریم. مکان همچنین بستری است که در آن روابط اجتماعی شکل می گیرند و حامل ساختارهای سیاسی، ایدئولوژیک، فرهنگی و سلسله مراتبی است. روابط اجتماعی شکل گرفته در مکان، منابع تجربه زیسته ای هستند که حافظه اجتماعی را شکل می دهند. به همین دلیل، هر عمل، نوآوری و تغییر در الگوی روابط اجتماعی، رد پای در حافظه اجتماعی باقی می گذارد و حافظه اجتماعی شکل گرفته نیز بر عمل اجتماعی اثر می گذارد. به این ترتیب، تغییر در هر یک از اجزای ساختار اجتماعی موجب باز تنظیم مجدد شیوه های کنش مکانی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ما می شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین فضاهای بی دفاع شهری و وقوع جرم، با تکیه بر نظریه جرم شناسی رادیکال انجام شد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که فضاهای بی دفاع شهری، به عنوان محصول مستقیم نابرابری های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بستر مناسبی را برای رشد و گسترش جرم و جنایت فراهم می کنند. این فضاها با ایجاد احساس ناامنی و بی اعتمادی در میان ساکنان، به ویژه گروه های آسیب پذیر، فرصت های ارتکاب جرم را افزایش می دهند.

۱- Bauman, Z. (۲۰۰۶). Küreselleşme ve Toplumsal Sorunları. A. Yılmaz (Çev.). İstanbul: Ayrıntı Yayınları.

نظریه جرم‌شناسی رادیکال با تأکید بر نقش ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری جرم، می‌تواند به‌خوبی این یافته‌ها را تبیین کند. بر اساس این نظریه، جرم نه‌تنها به‌عنوان یک رفتار فردی، بلکه به‌عنوان محصول ساختارهای اجتماعی ناعادلانه قابل تفسیر است. فضاهای بی‌دفاع شهری، با تقویت نابرابری‌ها و ایجاد شکاف‌های اجتماعی، به‌عنوان نمادی از توزیع ناعادلانه قدرت و ثروت عمل می‌کنند. در این فضاها، گروه‌های محروم و حاشیه‌نشین از امکانات و فرصت‌های برابر محروم بوده و به همین دلیل به ارتکاب جرم روی می‌آورند.

برای کاهش جرم در فضاهای بی‌دفاع شهری، ضروری است به ریشه‌های اجتماعی این پدیده پرداخته شود. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌هایی برای کاهش فقر، ایجاد اشتغال، بهبود خدمات عمومی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی در این مناطق اجرا شود. همچنین، مشارکت فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت امور محلی، تقویت نظارت اجتماعی و بازآفرینی شهری از جمله راهکارهای مؤثر برای کاهش جرم در این فضاها هستند.

درنهایت، می‌توان گفت که مقابله با جرم در فضاهای بی‌دفاع شهری نیازمند یک رویکرد جامع و چندبعدی است که در آن، نهادهای مختلف از جمله دولت، شهرداری‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و شهروندان باهم همکاری کنند. با اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر عدالت اجتماعی و مشارکت شهروندی، می‌توان به ایجاد محیط‌های شهری امن‌تر و عادلانه‌تری دست‌یافت.

منابع

۱. جعفری، فریدون. (۱۴۰۰). چالش تعریف جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. پژوهش های حقوقی، ۲۰(۴۵)، ۷-۲۲
۲. جوانمردی. مرتضی (۱۳۸۴). نسل زدایی: ساختار عناصر جرم. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
۳. حاتمی نژاد، حسین، منصور، بابر، فعلی، محمد. (۱۳۹۲). تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت. فصلنامه علمی- پژوهشی اطلاعات جغرافیایی «سپهر»، ۲۲(۸۷)، ۶۸-۷۶.
۴. دیبائزاد، محسن، محسنی، فرید، قاسمی، ناصر. (۱۴۰۱). آسیب شناسی تعریف قانونی جرم. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۵(۸)
۵. رحیمی نژاد، اسمعیل. (۱۳۹۹). جرم شناسی فرهنگی سبز: از علت شناسی تا پیشگیری. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۱(۱)، ۷۵-۱۰۲
۶. صادقی، دکتر حسین، شهری، وحید شقاقی پور، حسین اصغر. (۱۳۸۴). تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران. فصلنامه تحقیقات اقتصادی
۷. موسوی، بهاره سادات، تومانیان، آرا، ارگانی، میثم، ارونندی، سمانه، ساعدپناه، مهران. (۱۴۰۲). شناسایی مناطق جرم خیز و عوامل موثر در تشدید آن با استفاده از روش های داده کاوی مکانی (مطالعه موردی شهر اصفهان). پژوهش های جغرافیایی برنامه ریزی شهری، ۱۱(۱)، ۵۱-۶۹
8. Ague, M. (2016). Yok Yer, Üst Modernliğin Antropolojisine Giriş. İstanbul: Daimon.
9. Akers, R. L. & Jennings, W. G. (2009). Social Learning Theory. J. M. Miller (Ed.), 21. Century Criminology: A Reference Hand Book, in (323-332). Thousand Oaks: CA. Sage. Aksoy, E. (2007). Suç ve Kent Güvenliği Yaklaşımı. TMMOB Ankara Şubesi Bülteni, 55, 11-16.
10. Aktay, A. (2018). Mekân Üretim Endüstrisinin Güvenliği Pazarlayan Rant Stratejileri. Akademik İncelemeler Dergisi, 13(1), 125-136.
11. Aktay, A. (2020). Seçkinleştirme Karşısında Bariyer Semtler/ Kimlikli Mekanlar. Ankara: Tezkire.
12. Aliyev, N. (2019). Modern Suçun Nedenleri ve Koşulları, Bir Dizi Belirleyici: Genel Bir Bilimsel İnceleme. Adli Bilimler ve Suç Araştırmaları Dergisi, 1(1): 7-21.
13. Assmann, J. (2001). Kültürel Bellek: Eski Kültürlerde Yazı, Hatırlama ve Politik Kimlik. A. Tekin(Çev.). İstanbul: Ayrıntı Yayınları.

14. Ayhan, İ. ve Çubukçu, K. M. (2007). Suç ve Kent İlişkinine Ampirik Bakış: Literatür Taraması. Süleyman Demirel Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi, 3(5), 30-55.
15. Aytaç, Ö. (2013). Kent Mekânları ve Kimlik/Farklılık Sorunu. İdeal Kent, 9, 138-169.
16. Aytar, V. (2005). Metropol. İstanbul: L&M Yayınları.
17. Bahar, H. İ. (2009). Sosyoloji. Ankara: Uşak Yayınları.
18. Bauman, Z. (2006). Küreselleşme ve Toplumsal Sorunları. A. Yılmaz (Çev.). İstanbul: Ayrıntı Yayınları.
19. Berber, Ö. (2011). Yok-Yer, Yersizleşme ve Yurtsuzluk Kavramları Üzerine Bir Sorgulama. İdeal Kent, 3, 142-157.
20. Ceritli, İ. (2003). Kentleşme Sürecinin Ekonomi Politikası ve Bir Türkiye Uygulaması. Ankara: Yargı Yayın Evi.
21. Çubukçu, E. (2000). Affect of Physcial Enviroment on Crime. Çalışma Makalesi. Şehir ve Bölge Planlama Bölümü. Ohio Eyalet Üniversitesi.
22. Demirbaş, T. (2005). Kriminoloji. Ankara: Seçkin Yayınları.
23. Durukan, A. ve Öztürk, B. Ö. (2021). Mekân ve Kültürel Demans. İdil, 77, 31-39.
24. Gierny, T. F. (2000). A Space For Place in Sociology. Annual Review Of Sociology, 26, 465-469.
25. Gölbaşı, S. (2008). Kentleşme ve Suç. İstanbul: On İki levha Yayıncılık.
26. Gruenewald, P. J., Freisthler, B., Remer, L., LaScala, E. A. & Treno, A. (2006). Ecological Models of Alcohol Outlets and Violent Assaults. Crime Potentials and Geopolitical Analisis Adic-tions, 101, 666-677.
27. Harvey, D. (1997). Postmodernliğin Durumu. Sungur Savran (Çev.). İstanbul: Metis Yayınları.
28. Hideg, G. & Manchin, R. (2007). Enviroment and Safty in European Capitals. European International Crime Survey- EUICS Working Paper Series, Gallop, Europe.
29. Ibellings, H. (1992). Supermodernism: Architective in Age of Globalization. Rotterdam: NAIPublisher.
30. Kızmaz, Z. (2006). Suçun Siyasi Doğası Üzerine Odaklaşan Kuramlar ve Bu Kuramların Eleştirisi. Abant İzzet Baysal Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi, 1(12), 97-114.

31. Koçyiğit, G. B. (2018). Mark Auge’de Yok Yer (Non- Lieu) Kavramı Üzerine Bir Epistemolojik Çözümleme. *Megaron*, 13(4), 536-544.
32. Korkmaz, A. (1988). Şehirleşme ve suç: Malatya araştırması. Yayınlanmamış doktora tezi, İstanbul Üniversitesi, İstanbul.
33. Kurtuluş, H. (2005). Bir “ütopya” Olarak Bahçeşehir. H. Kurtuluş (Der.). İstanbul’da Kentsel Ayrışma içinde, (77-123). İstanbul: Bağlam Yayınları.
34. Lefebvre, H. (2013), Kentsel Devrim, (Çev.Selim Sezer), İstanbul: Sel Yayıncılık,
35. Lefebvre, H. (2014), Mekânın Üretimi, (Çev. I. Ergüden), 2. Baskı, İstanbul: Sel Yayıncılık.
36. Lineberry, R. L. & Sharakansky, I. (1974). Urban Politics & Public Policy. New York: Row Publisher.
37. Lynch, K. (2010). Kent İmgesi. İrem Başaran (Çev.). İstanbul: Türkiye İşbankası Kültür Yayınları
38. Marshall, G. (1999). Sosyoloji Sözlüğü. Osman Akınhay ve Dilek Kömürcü (Çev.). Ankara: Bilim ve Sanat Yayınları.
39. Özerk, G. B. ve Yüksekli, B. A. (2011). Küresel Kent, Kentsel Markalaşma ve Yok Mekân İlişkileri. *İdeal Kent*, 3, 82-93.
40. Shade, M. (2002). Risk of Factors of Delinquency: An Overview <https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/ojjdp/frd03127.pdf?q=risk-and-protective-factors-of-child-delinquency>. Erişim: 22-11-2022.
41. Soja, E. & Hooper, B. (1993). The Space Difference Makes: Some Note of Geographical Margin of The New Cultural Politics. Michael Keith and Steve Pile (Der.) Place and Politics of Identity in (183-205). London: Routledge.
42. Urry, J. (1999). Mekânları Tüketmek. R. G. Ögdül (Çev.). İstanbul: Ayrıntı Yayınları.
43. Uslu, E. (2011). Sosyo ekonomik bir olgu olarak kentsel suç; Bakırköy ve Küçükçekmece örnekleri. Yayınlanmamış yüksek lisans tezi, İstanbul Üniversitesi, İstanbul.
44. Williams III, F. P. & Mc Shane, M. D. (1999). Criminological Theory. USA: Prentice Hall.
45. Wirth, L. (2002). Bir Yaşam Biçimi Olarak Kentleşme. B. Duru ve A. Alkan (Çev.). B. Duru ve A. Alkan (Ed.). 20. Yüzyıl Kenti, içinde (77-106). Ankara: İmge Kitabevi.